

پرده نقره‌ای

آخرین وضعیت سلامتی
رضاناجی



باز یگر سینما و تلویزیون این روزها مراحل پایانی شیمی درمانی خود را انجام می‌دهد. رضاناجی که این روزها مراحل پایانی شیمی درمانی را انجام می‌دهد درباره آخرین وضعیت جسمانی خود، گفت: تا حدودی بهتر شدم البته در مانم ادامه دارد و الان مرحله یازدهم هستم و مرحله دوازدهم باقی مانده است. اگر سی تی اسکن به خوبی جواب دهد کاملاً خوب می‌شوم در غیر این صورت سه یا چهار جلسه تمدید خواهیم کرد. او افزود: مشکل در روده بزرگ بود که حدود پانزده سال پیش یک عمل کردم و پزشکان تشخیص آنچنانی ندادند و گفتند برو و زندگی‌ت را ادامه بده، اما بیماری دوباره به سرانجام آمد و این دفعه دکترم گفت باید عمل شوم و شیمی درمانی انجام شود تا بیماری به طور کلی از بین برود.

جدیدترین خبر از
«دست انداز» کمال تبریزی



فیلم سینمایی «دست انداز» به کارگردانی کمال تبریزی و تهیه کنندگی محمد آفریده آخرین مرحله صداگذاری و ساخت موسیقی راطی می‌کند. ساخت این فیلم از اواسط پاییز سال گذشته آغاز شده بود که در زمستان به مرحله فنی رسید و مرحله فنی از ابتدای اسفند سال ۹۸ بدلیل گسترش ویروس کرونا متوقف شد. بعد از حدود سه ماه توقف، ساخت فیلم دست انداز از سر گرفته شده و هم‌اکنون محمدضاد لپاک در حال صداگذاری و امین هنرمند در حال اتمام ساخت موسیقی فیلم است. رضاناجی، حبیب رضایی، هدی زین‌العابدین، رویان نهای، همایون ارشادی و بازیگران فیلم «دست انداز» هستند.

سریال‌های تابستانی معرفی شدند



سریال‌های جدید «دخترم نرگس»، «شاه‌رگ» و «آخر خط» و مجموعه نمایشی «افسانه هزار پایان» در شب‌های تابستان از شبکه‌های یک، دو، سه و نسیم روی آنتن می‌روند. «دخترم نرگس» سریال شبکه یک سیما است که با اتمام سریال «پرگار» هر شب ساعت ۲۲:۱۵ روی آنتن می‌رود. سریال «دخترم نرگس» در ژانر اجتماعی ساخته شده است و ۲۶ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای دارد و به سفارش سیمای استان‌ها با حضور بازیگران مطرحی همچون رحیم نوروزی، مریم خدارحمی، جمال ذوالقدر، محمود پاک‌نیت، فریبا طالبی و مهوش صبرکن تصویربرداری شد. سریال «شاه‌رگ» به کارگردانی سیدجلال اشکذری و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی از شبکه دو سیما ساعت ۲۱:۳۰ روی آنتن خواهد رفت. این سریال ۳۰ قسمتی که برای پخش از شبکه دو سیما تولید شده است، به روایت داستانی پرچالش از دهه ۶۰ می‌پردازد. حسین پاکدل، نیما ریسی، عباس غزالی، مهدی سلوکی، سیروس گرجستانی در سریال «شاه‌رگ» نقش آفرینی می‌کنند. سریال «آخر خط» به کارگردانی علی مسعودی، هر شب ساعت ۲۰:۴۵ روی آنتن شبکه سه می‌رود. سریال «آخر خط» که در ۲۶ قسمت تولید شده است، روایتی از ماجرای دو پسر خاله است که با شیطنت‌های زیادشان خانواده‌ها را به سستوه آورده‌اند و بعد از ارتکاب جرمی که به زندان رفتنشان منجر شد به فکر مهاجرت از ایران می‌افتند. کماند امیر سلیمانی، محمدرضا هدایتی، مه‌رآن رجبی در سریال ۲۶ قسمتی «آخر خط» به ایفای نقش پرداختند. سریال «افسانه هزار پایان» به کارگردانی شهاب عباسی هر شب ساعت ۱۹ از شبکه نسیم پخش می‌شود. «افسانه هزار پایان» سریالی کم‌دقتی است که شهاب‌عباسی تهیه‌کنندگی و کارگردانی آن را بر عهده دارد. «افسانه هزار پایان» به سرپرستی حسن وارسته و به قلم حمزه صالحی به نگارش درآمده است. این سریال داستان زندگی خانواده‌ای است که به بهانه تهیه چیزی به عروسی راهی سفر می‌شوند، اما با حمله راهزن‌ها به کراواتشان مسیر زندگی آنها تغییر می‌کند.

سریال متفاوتی که میخکوب می‌کند

«کشتن ایو»؛ خاص، ماندگار، متفاوت و قدرنادیده



ایمان عبدلی

حالا تقریباً به قطعیت می‌شود گفت در هر خانه‌ای یک سریال برای دنبال کردن وجود دارد. روزگار و زمانه برای سریال‌هاست، یکی فلان سریال ماهواره‌ای را می‌بیند و دیگری سریالی متعلق به نتفلیکس، مهم‌تر از هر چیز این ذات مدیوم محبوب «سریال» است که جهان را مسخ خودش کرده. اینجا درباره یک سریال «متفاوت» به معنی واقعی کلمه حرف می‌زنیم؛ «کشتن ایو» نه به اندازه «مانی‌هیست» سرگرم‌کننده است و نه به اندازه «گیم و ترونز» فراگیر، اما بیشتر از هر دو آن‌ها و اساساً بیشتر از خیلی سریال‌های دیگر، اثری «متفاوت» است.

و پلیس مواجهید، همان نبرد و تقابل خیر و شر، اما خیلی زود با اخراج ایو از اداره پلیس، باورهای اولیه فرو می‌ریزد و در واقع اولین قدم برای خروج از کلیشه‌ها برداشته می‌شود. ایو دربارهای پرونده‌های بیشتر از آن چه که باید کنجکاوی می‌کند و سیستم، تحمل امر خارج از صلاحش را ندارد، پس عذر ایو و رفیقش را می‌خواهد. ساختار متصلب سیستم‌ها و البته اشاره واضح به قربانی شدن حقیقت در جهت بقای ساختارها در همان یکی دو قسمت ابتدایی چیزی از سریال نشان می‌دهد که بیننده را ترغیب می‌کند برای ادامه‌اش، «کشتن ایو» ادعا برمی‌دارد که این یک «تام و جری» نیست و در خودش چیزهایی از نظر به‌های انتقادی دارد. این که سیستم‌ها در سراسر دنیا و بسته به عوامل محیطی درصدهای

متفاوتی از حقیقت را فدای مصلحت می‌کنند حالا دیگر بخشی پذیرفته شده از نظم جهانی است و اداره پلیس در «کشتن ایو» باز نمایی از یک سیستم واقعی است. در ادامه وقتی «ایو» تحت رهبری یک نیروی فراملیتی و امنیتی باز هم خارج از «مصلحت» رفتار می‌کند، همان نهاد به ظاهر مستقل هم او را تحمل نمی‌کند و این بار در نقدی ظریف‌تر، سریال نشان می‌دهد که حتی برخی از نهادهای شبه‌مستقل در تمام این سال‌ها تحت لوای قوانین نانوشته‌ای بودند که صرفاً شمایل محو از استقلال کاری را تبلیغ می‌کردند، در واقع دولت‌ها و حکومت‌ها با مجیز شدن به ترندهای پیچیده موفق شده‌اند ویرینی از دموکراسی، نهادسازی‌های مدنی و یا چیزهایی شبیه به این را تولید کنند و به مثابه

یک امر قانع‌کننده و تخدیرساز به جامعه عرضه کنند. «کشتن ایو» البته لحن انتقادی‌اش را دائماً توسعه و گسترش می‌دهد، مثلاً نگاه سریال به روسیه و به عبارتی کلی‌تر آن چه که بلوک‌های شرق و غرب قدرت می‌نامیم، نگاهی قطب‌بندی شده نیست. البته این گزاره مطلق نیست، اما تا حد زیادی مستقل و قابل توجه است. در لابه‌های زیرین سریال نوعی نگاه نقادانه به سرویس‌های بین‌المللی امنیتی و نوع عملکرد آن‌ها وجود دارد که فراتر از جهت‌گیری‌های مبتذل بسیاری از آثار هنری است. اینجا نه کسی طرفدار غرب است و نه به طور کامل نگاه به شرق دارد، این رعایت بی‌طرفی در تمهیدات بصری کار هم رعایت شده و تصویری که مثلاً از پاریس می‌بینیم با تصویری که

یادداشت

درباره آخرین ساخته پولاتسکی

افسر و جاسوس؛ احضار روح تاریخ در سینما

آبان نامجو

فیلم تازه رومن پولاتسکی روایتی از ماجرای در یغوس است. اداره آمار و اطلاعات ارتش فرانسه در سال ۱۸۹۳ پی برد که شوارتسکین، وابسته نظامی سفارت آلمان در پاریس، با افسسری فرانسوی ارتباط دارد و اطلاعاتی از مراکز حساس نظامی و تسلیحاتی ارتش، بین آن‌ها تبادل شده است.

از این فرد که با نام مستعار «دی» فعالیت داشت، نمونه‌هایی به عنوان دست‌خطی که اطلاعات را در اختیار قرار داده به دست سرهنگ هنری از بخش آمار و اطلاعات ارتش افتاد.

پولاتسکی در تریلری موشکافانه و باحوصله یک برگ از تاریخ فرانسه را مرور می‌کند، با سویی‌های مستند کار و آن بخش احضار روح تاریخ کاری ندارد، اینجا از چند منظر به بررسی کاری می‌پردازیم که می‌تواند حکم یک کاتالوگ آموزشی را برای فیلمسازان وطنی داشته باشد.

شخصیت پردازی

داستان فیلم داستان بدیعی نیست، بسیار فیلم‌هایی دیده‌ایم که به مساله تقابل فرد و سیستم می‌پردازند، اینجا هم بن‌مایه داستان همین است. افسری وظیفه‌شناس که نیرنگ‌ها و مصلحت‌های سیستم را نمی‌پذیرد و رفته‌رفته



جاسوس» تأکید روی بلندی درهای تودر توهای یک مقر نظامی، تأکید روی زندانه و مدبرانه است، تأکید بر شکوه و نفوذناپذیری آغشته به عراق، گویی که طعن به ساختار پوسیده درونی دارد.

داستان

در تمام طول تماشای فیلم، نکته بارز، تمرکز کارگردان بر خط سیر اصلی داستان است. مساله «در یغوس» است و تمام خرده‌داستان‌ها اگر نتواند موجب پیشبرد و بلوغ خط سیر اصلی شود، به وجود نمی‌آید و ادامه پیدا نمی‌تواند.

نمی‌کند. تصور کنید مثلاً آن خرده‌داستان «زولا» در یک فیلم ایرانی بود، پیش‌بینی این که انرژی سازندگان سمت خرده‌داستان سسر می‌خورد، پیش‌بینی دشواری نیست؛ توجه کنید که داریم درباره یک اثر خارج از سبک «باکس آفیس» حرف می‌زنیم در آن قالب که تأکید بر داستان‌گویی اصل اول و آخر است. همین سه عنصر اساسی نشان می‌دهد که چگونه و همچنان «پولاتسکی» می‌تواند و بسیاری از داخلی‌ها نمی‌توانند.